

رکود کشاورزی در شوروی

(...)

ملاحظات

چنین می‌نماید که سکو شوک‌گرفته است از دام مربوط به کاشت و برداشت غلات را، همانند سراسر دوران استالین، در شمار آمار ملی محرمانه، طبقه‌بندی کند. یافتن انگیزه این کارچندان دشوار نیست می‌توان آن را، که البته چیزی بسیار بیشتر از یک گرایش ساده به پنهان کردن بازده پایین محصولات است، به آسانی دریافت. انگیزه‌های این عمل، دقیقاً همان انگیزه‌هایی است که مریخیا راه این ارقام غلاته مند می‌سازد: از هنگامی که حجم واردات غله اتحاد شوروی سالانه به ۳۰ تا ۴۰ میلیون تن رسیده است، تاثير این مقدار تقاضا بر بازار جهانی غله، تقریباً برابر شده است با نفوذ اثری که کشورهای اصلی صادرکننده غله، مانند آمریکا و بریتانیا، عرضه خود به بازار جهانی، دارا هستند. شوروی بسیار برابر قیمت‌های بین‌المللی، که برآیند برخورد عرضه و تقاضاست، نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند. زیرا می‌بیند حتی اگر از حجم خریدهای سالانه‌شان بکاهد، مارشش از صدها میلیون دلار از دست می‌آورد. این نشان گامی می‌نهد. مباحثات غربیها درباره‌ی بندار با واقعیت "شوروی خوراک" بی‌گمان با دست بسیار، و البته بدون خشم و هیجان، از سوی دفتر سیاسی (حزب کمونیست) پیگیری می‌شود. استدلال اساسی دولت ریگان، همین "شوروی خوراک" است، و بر این اصل استوار است که تعریف سکو، از طریق صادرات غلات بسیار آسان است تا از راه برآورد، تحول گامی برمی. اگر اعضاء دفتر سیاسی، قبلاً به این موضوع بی‌توجه بودند، چنین سخنانی باید مسئله استراتژیک واردات غلات را برای آنها روشن کرده باشد.

در این باره لئونید برژنف، فقط به تشریح اوضاع ناخود پذیرش نظمی آن، بسنده نمی‌کرد، بلکه چنین می‌نمود که به راستی از این وضع درسیهای آموخته است. وی ملی نظمی در ۲۴ مه ۱۹۸۲ اظهار داشت: "طرح برنامه‌های مواد غذایی در شوروی ناشی از ضرورت کاهش واردات مواد غذایی از کشورهای سرمایه‌داری است. دفاع از منابع کشورمان اجابت می‌کند که خود، دارای منابع کافی برای تغذیه انسانی و حیوانی باشیم، تا بتوانیم با هرگونه پیمانهای مبادله کنیم. شمامی دانید که رهبران برخی کشورهای کمونیست دارند از قراردادهای بازرگانی کمونی، مثلاً "فروش غلات، همچون وسیله‌ای جهت اعمال زور به ملت ما، و به عنوان ابزار فشار سیاسی، استفاده کنند. ما هرگز به این سیاست تسلیم نخواهیم شد و حاضر به تحمل آن نیستیم."

در این میان، تخریب تاریخی در ایالات متحد آمریکا (موسسه وارتنسون (Warton) بدیدارند. این تخریب، از این نظر که در مورد خریدهای غله شوروی از کشورهای غربی، معتقد به وجود آسارهایی به سود خریدار هستند، چندان تناقضی با تخریب ریگان ندارند، زیرا بر این عقیده‌اند

در این مقاله، هرچنان پیوسته به داوریهای صرفاً سیاسی پرداخته که درج آن با خط مشی تعیین شده در آیین‌نامه "گزیده..." هماهنگ نبوده است، از متن حذف شده و ناشان: (...). یادآوری شده است.

کتابخانه مرکزی
کتابخانه مرکزی
کتابخانه مرکزی

که: چون غلات خریداری شده توسط شوروی ارزانتر از غلات تولیدی خود آن کشور تمام می‌شود، پس قدرت مالی شوروی افزایش یافته و می‌تواند پس امدار کند و بنابراین به تولید اسلحه بپردازد، و با تولید نفت و گاز طبیعی خود را، که به آسانی قابل صدور بوده و ارزسازمند - افزایش دهد. با وجود این، اگر بخواهیم به نحوی مستقل و خارج کننده از این تز دفاع کنیم، باید از ارزش واقعی تولیدات داخلی شوروی (مانند غلات، نفت، اسلحه و حران) و نیز کمبایی نسبی که آن کشور در این زمینه مدعی آن است، اطلاع داشته باشیم. و همچنین باید کالاهای وارداتی آن کشور را بشناسیم، یعنی بدانیم آن کالاهایی که بهایشان به ناگزیر باید با دلار پرداخت شود، کدام است (غلات وارداتی تخم مویا، گوشت، شکر) همه جزئیات آن است که برای دولت شوروی سبب کالاهای اخیر، یعنی کالاهای وارداتی، بسیار بیشتر است. بانه مارت دیگر، ارزش واقعی روسل آشکارا با اینستوار ارزش برابری رسمی و با ارزش پانایاسی آن، فرار دارد. پس اگر واقعیت به راستی چنین است، فرضیه "موسسه" وارثین - فرو می‌ریزد و بانه صورتیک، عین ذهنی بسیار راناملش باقی می‌ماند. به ویژه با توجه به این که ارزش غلات و نفتی که در محاسبات این موسسه وارد شده است، با روسل تحبیده شده و در نتیجه، بر پایه‌ای کاملاً "نمادین" فرار دارد.

حتی اگر واردات کشاورزی اتحاد شوروی، منحصر - شامل غلات بوده، بلکه گوشت، شکر، مواد روغنی (مانند آرد مویا) زایس در حجم بسیار زیاد دربرگیرد، تنها غلات مصرفی برای تعدیه دامها، مقام نخست را، آن هم با فاصله بسیار، خواهد داشت. موفیت غلات در تجارت خارجی اتحاد شوروی، درست همان موفیت گوشت در داخل کشور را دارد. چینی می‌تواند بر ناگامی یا کامبایی ساعت فذایی حکومت گواهی دهد. همان که برداشت غله، آشکارا از امداد تعیین شده توسط برنامه، کمتر باشد - امری که در این چهار سال گذشته همواره پیش آمده است - غلات جای برگیرنده‌های را در تراز بازرگانی خارجی کشور، اشغال می‌کند.

گو این که آماری رسمی در این زمینه در دست نیست، با این همه، می‌توان با اطمینان تقریبی گفت که برداشت غله در سال ۱۹۸۱ از ۱۷۰، و در حقیقت از ۱۶۰ تا ۱۶۵، میلیون تن تجاوز نکرده است (ارغام، بر حسب روش محاسبه‌ای شوروی که نتیجه را ۱۵ تا ۲۰ درصد بیشتر از روشهای آماری غربی نشان می‌دهد، متفاوتند)، و برداشت سال ۱۹۸۲ نیز احتمالاً به ۱۸۰ میلیون تن رسیده است. (باردهسی غلات سان پالپای ۱۹۵۶ - ۱۹۶۵ سه دلور متوسط عادل ۵۱۰ کیلوگرم در هکتار بود، در سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ به ۷۵۵ کیلوگرم و حتی در سال ۱۹۷۸، بیش از آن که سقوط کند و در سطح ۷۰۰ کیلوگرم ثابت بماند، به ۹۲۵ کیلوگرم رسید). باید افزود که - به استثنای موارد پنه و مرفداری - بخشهای بزرگ دیگر کشاورزی شوروی سرتابع گمراه‌کننده‌های داشته و گاه بازدهی آنها از غلات نیز کمتر بوده است، و تولیدات گوشت و شترهم از این فامنده مستثنی نبوده است. بدین گونه، در مجموع تولیدات داخلی کشاورزی شوروی (به فستهای ثابت) در سال ۱۹۸۱، برابر ۶۶ نسبت به سال ۱۹۷۸، و ۶۳ نسبت به متوسط دوره ۸۰ - ۱۹۷۶، کاهش یافته است، و مجدداً در سال ۱۹۸۲، برابر ۳ تا ۳٪ افزوده شده است.

جدول ۱- تحول تولید ناخالص و عوامل تولید کشاورزی در شوروی (۱۹۸۱-۱۹۶۶)

تاریخ سالانه (۱)		متوسط دوره			
۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۶۶-۸۰	۱۹۷۱-۷۵	۱۹۶۶-۷۰	
۱۲۰/۱	۱۲۲	۱۲۳/۹	۱۱۳/۷	۱۰۰/۲	تولید ناخالص (به میلیارد روبل - به سکه) کشور (۱۹۷۳)
۳۷	۳۵/۱	۱۷۱	۱۳۰/۵	۸۱/۵	سرمایه گذاری (به میلیارد روبل - به سکه) کشور (تا سال)
۵۲/۱	۵۳/۱	۵۶/۷	۵۱/۷	۳۷/۶	تولید در امور (به میلیارد روبل)
۶۷	۶۷	۶۷	۶۲	۵۲/۸	تولید ناخالص (به میلیارد روبل - به سکه) کشور (۱۹۷۳)
-۳۰/۱	-۳۱/۴	+۳۱	+۳۱۷	+۳۲۱ (۲)	درصد تغییرات
	۲۲۸/۱	۲۹۵/۸	۳۶۲ ۳۶۶/۹ (۳)	۲۵۲/۲ (۳)	سرمایه ملوک (به میلیون تن - به سکه) کشور (تا سال)
	-۳۱/۳	+۵۹	+۵۶	+۳۳۸ (۳-۴)	درصد تغییرات
	۲۵/۷	۲۶/۳	۲۵/۳	۲۵ (۳)	واحد های استاندارد - جویا هر واحد چاربا (به میلیون تن)

آمار سالانه					
۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۵	
	۶۰۶/۳	۶۰۲/۲	۶۰۶/۸	۶۰۹/۲	گرماساعت کشاورزی (به میلیون هکتار)
					از جمله:
		۳۲۹/۲	۳۲۷/۹	۳۸۲/۲	ساختگاه مستقیم
	۲۱۲/۹	۲۱۷/۳	۲۰۶/۷	۲۰۹/۹	ساختگاه برگشت (مربوط به)
					از جمله:
				۱۲۸	مخازن و سربسات
	۱۲۶/۶	۱۲۷/۹	۱۱۹/۳	۱۲/۷	ساخت آبش
	۱۶/۲	۱۳/۸	۱۱/۶	۱۸/۳	کودهای معدنی (به هزار تن)
۱۹۱۶۹ (۵)	۱۸۷۳۳	۱۷۵۸۱	۱۶۳۱۷	۱۲۳۲	سرمایه ثابت (به میلیارد روبل - به سکه) کشور (تا سال)
	۳۲۸	۳۶۲	۳۰۶	۲۷	سرمایه ثابت (به میلیارد روبل - به سکه) کشور (تا سال)
	۲۲/۹	۲۳/۵	۲۳/۱	۲۵/۸	سرمایه ثابت (به میلیارد روبل - به سکه) کشور (تا سال)
	-۳۳	-۳۲/۵	-۳۷	-۳۲	درصد تغییرات
					از جمله:
	۲/۲۹	۲/۲۶	۲/۱۲	۲/۰۹	سرمایه ثابت (به میلیارد روبل - به سکه) کشور (تا سال)
	+۳۱	+۳۱۲	+۳۱۱	+۳۳۰	درصد تغییرات

۱- ارقام نظیر "درصد تغییرات" برای ستونهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ با ستون "متوسط دوره ۱۹۶۶-۸۰" ارتباطی ندارد، بلکه مربوط به اعداد سال قبل از جدول است. در بخش دوم جدول، ارقام تغییرات مربوط به سال ۱۹۸۰، در ارتباط با سال ۱۹۷۵ است.

۲- گرماساعت کشاورزی، به معنای آن است که یک هکتار یا یک گکتسها با یک دستگاه تولید می کنند در یک روز می گیرد.

۳- ارقام فقط مربوط به سرری در گاوگوزها و سوسوزها را شامل می شود. این تلت با داده های بعدی قابل مطابقت است. مصرف علوفه توسط هر واحد چاربا، در گاوگوزها و سوسوزها، به وضوح، بیشتر از متوسط مصرف در بهره بردارهای کشاورزی است. این مصرف همچنین محسوساً در بخش عمومی کشاورزی کمتر است و این امر، تا حدی سبب این واقعیت است که دامداران، عاقلی، که در بخش عمومی به مصرف تعداد کمی حیوانات می ریزد، در آرام لوبی منظور نشده است.

۴- درصد تغییرات سال ۱۹۶۶-۷۰ در رابطه با ۵- بر پایه ارقام و اشاراتی که در مقدمه این گزارش مطابقت ندارد.

۵- در سال ۱۹۸۲، مجموع تولید کودهای معدنی برای کشاورزی، بیش از ۵ درصد از تولید سال ۱۹۸۱ بیشتر خواهد شد. حدود ۲۰ میلیون تن سس می ریزد.

حدول یک، ارزش اعلام گوناگون، و چشم اندازی از تحول تولید و سایر عوامل تولید مانند زمین، نیروی کار و سرمایه را نشان می دهد. چنان که مشاهده می شود، در سالهای اخیر، نرخ رشد این اعلام کاهش یافته است. با این همه، اشتغال در کشاورزی دارای تحول و بزبای بوده، بدین معنا که پس از اتم شدید سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰، رشد آن اصولاً بسیار آهسته اما منظم و پیوسته بوده است.

حدول ۲، تحولات کمی تولیدات اصلی را، بنا بر آمارهای چاپ شده، رسمی اتحاد شوروی، نشان می دهد. دوره ۸۲-۱۹۸۰ را ملاحظه، بر اساس آمارهای داده شده، محاسبه و افزوده ایم، تا امکان مقایسه، کاملی با ارزشهای متوسط دوره های ۵ ساله قبل از ۱۹۸۰، فراهم آید.

این ارقام آشکارا نمایشگر تحولی منفی در مورد اغلب تولیدات است، و در بخش دامپروری نیز فقط به باری واردات بسیار زیاد علوفه، امکان احساب از نوع ماکاهش، وجود داشته است.

در ۱۹۸۲، خشکالی است فراوانی به برداشت اکثریت مناطق دیمی غلات (مانند نواحی استی شرق رودخانه ولگا) وارد ساخت. غلات زمستانی بر مکن محصول خوبی دادند، که اگر البته شرایط جوی باشد ۱۹۸۱ اجازه پذیر امناسی رودتری را می داد، و اگر این شرایط در زمان برداشت در مناطق متعدد بخش اروپایی شوروی، و به خصوص و کرانسن، مساعد بودند، بهتر از آن هم می شد. برداشت گیاهان وحشی، حیوانات و درت اساری طاهرا^۱ رضایتبخش بوده، و بارده علوفه و گیاهان علوفه ای نیز سز سالیانوار حد متوسط قرار داشته است، تا وجود این، در سپتامبر ۱۹۸۲، بارده سالانه نیز هرگز به رست ارسلیخ ۱۹۸۱-۱۹۸۰ نرسید. بارده این محصول از سال ۱۹۷۷ پیوسته افزوده شده و میزان متوسط سالانه آن برابر ۲۰۹۶ کیلوگرم است. آمار متوسط به دامها و تولیدات دامی، سابقه امر را نشان می دهد. کله ها (که هر کوهند)

است، اما هیچگونه افزایشی در رسته تولید گوشت و یا بهبودی اندکی در تولید محصولات نسبی نشان نمی دهد. تولید گوشت میان زانویه و اکثر ۱۹۸۲ با سیر از دوره مشابه سال قبل خود بوده است. تولید تنم مرغ، که در حدود سال ۱۹۸۱ افزایش داشته، در سال ۱۹۸۲ فقط ۳٪ افزوده شده است. (۰۰۰) واقعیت آن است که این داده ها تنها از آن بخش دولتی کشاورزی است، اما این بدان معناست که در مورد بخش خصوصی انتظار وضع بهتری را داشته باشیم.

گزارشهای ماهانه حاکی از این است که ادارات و موسسات عمومی فقط کمی بیشتر از نصف مقدار گوشت و شیر تولیدی بخش خصوصی را، طی ۱۰ ماهه نخست سال ۱۹۸۲، خریداری کرده اند که نسبت آن برابر است با خرید ده ماهه اول سال ۱۹۸۱. خریدهای انجام شده توسط کسورها و سورخورها و دیگر بهره بردارهای دولتی، از افراد تحت قرارداد، که تا سپتامبر ۱۹۸۱ از فاشان ذکر شده است، به هیچ صورت در گزارشهای ماهانه ذکر شده است.

ت

(۱) این رقم میانگین دوره ۲۱۶۵ کیلوگرم در سال، بارده متوسط سوخوزها و کلخوزها و ۲۰۰۰ کیلوگرم در سال در بخش خصوصی است.

جدول ۲- تحول تولیدات اصلی کشاورزی در شوروی از ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۱
(میلیون تن - متوسط دوره)

(۱)	۱۹۸۰-۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۶-۸۰	۱۹۷۱-۷۵	۱۹۶۶-۷۰
غلات	۱۷۵	۱۶۰-۱۷۰	۱۲۹/۱	۲۰۵	۱۸۱/۶	۱۶۷/۶
پنبه	۹/۹	۹/۶۲	۹/۱۶	۸/۱۳	۷/۶۷	۶/۸۹
چغندرند	۷۷	۶۰/۶	۸۹	۸۸/۲	۷۶	۷۸/۹
دامهای روسی			۵/۳۳	۶/۰۲	۶/۶۹	۶/۹۷
- از جمله آبناکردان	۴/۷	۴/۶۵	۴/۶۲	۵/۳۲	۵/۱۷	۴/۱۲
کتان (مهرزرتن)		۲۷۱	۲۸۲	۳۵۲	۲۵۶	۲۵۶
سیبزمینی	۷۶	۷۲	۶۷	۸۲/۶	۸۹/۹	۹۵/۸
گوشت (وزن گوشت رسیده)	۱۵/۱	۱۵/۲	۱۵/۱	۱۲/۸	۱۲	۱۲/۳
شیر	۸۹	۸۸/۵	۹۰/۹	۹۲/۶	۸۷/۲	۸۳
تخم مرغ (مهرزرتن واحد)	۷۱	۷۰/۹	۵۷/۹	۶۳/۹	۵۱/۲	۴۰/۷
پشم (خالص - مهرزرتن)			۲۶۱	۲۶۰	۲۲۲	۲۱۹

۱- بر پایه ارزیابیهای موقتی سال ۱۹۸۲ محاسبه شده است.
ماه حد: همان

جدول ۳- توزیع دامها در ۱۹۷۵-۱۹۷۰-۱۹۸۱-۱۹۸۱
(ارقام پانزده ساله - میلیون واحد) (۱)

	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰
ککل:				
گاو ماده	۲۲/۶	۲۴/۴	۲۱/۹	۳۹/۸
گوساله و گاو نر	۷۲/۲	۷۱/۶	۶۹/۱	۵۹/۵
خوک	۷۳/۲	۷۳/۲	۵۷/۹	۶۷/۵
گوسفند	۱۲۲/۱	۱۲۱/۶	۱۲۱/۵	۱۳۸/۹
سر	۶	۵/۹	۵/۶	۵/۲
- از جمله در مالکیت خصوصی:				
گاو ماده	۱۲/۳	۱۳/۲	۱۳/۷	۱۵/۵
گوساله و گاو نر	۱۰	۹/۸	۹/۷	۹/۴
خوک	۱۲/۲	۱۲	۱۲/۲	۱۶/۶
گوسفند	۲۵/۸	۲۵/۶	۲۵	۲۸/۸
سر	۴/۷	۴/۶	۴/۲	۴/۲

۱- ارقام گرد شده است.

ماخذ: a- "Narodnoe Khozjajstvo SSSR Za 60 Let" Moscov 1977.

b- "Narodnoe Khozjajstvo SSSR v 1980 godu", Moscov 1981.

طی سال ۱۹۸۱، تعداد دام بخشی خصوصی، ظاهراً در اثر انعطاف نظامنامه موجود در این زمینه که در زانویه ۱۹۸۱ اعلام شده بود، تا حدی افزایش یافت. با وجود این، احتمال کمی وجود دارد که این واکنش مثبت، که البته بسیار ضعیف بوده، در سراسر سال ۱۹۸۲، مانع از توسعه کمی تولیدی علوفه کسه مانع بزرگی در این زمینه به شمار می‌رود. دوام می‌داشته است.

برنامه‌ها - مین مواد غذایی

تهیه یک برنامه گسترده توسعه کشاورزی و غذایی، که ۳ سال پیش از سوی برزنف اعلام شده بود، در ۲۲ مه ۱۹۸۲، منجر به ارائه یک متن تفصیلی به نام "برنامه‌ها - مین مواد غذایی" به کمیته مرکزی شد. ما چون در جای دیگری این برنامه را مورد بررسی قرار داده‌ایم، در این جا فقط نتیجه گیریهای اساسی خود را مطرح می‌کنیم:

۱- هر چند برای دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۶، نسبت به سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱، یک کاهش نرخ رشد پیش بینی شده است، با این همه اکثر اهداف تعیین شده توسط برنامه - و به ویژه دهدف بیشتر تولید غلات - گشت - تا سال ۱۹۹۰ قابل تحقق نیستند، زیرا از هم اکنون حتی امد وصول به هدفهای ۱۹۸۵ نیز، کمابیش منتفی شده است.

۲- گرچه نسبت به سالهای ۷۵-۱۹۶۵، وضع کمتر گران کننده می‌شاید، با این حال رشد سرمایه‌گذاری - همانند رشد کلی اقتصادی کشور - به اهداف تعیین شده توسط برنامه (علی‌رغم آن که طبق همین برنامه، کشاورزی و بخش کشاورزی - غذایی باید به توسعه خود ادامه دهند) دست نخواهد یافت. حتی اگر عوامل دیگری را سرموثر بدانیم، این مسئله، مانع بسیار بزرگی در راه رشد تولید ایجاد می‌کند.

۳- در صورتی که اهداف برنامه نتواند تحقق یابد، ما زهم مقامات شوروی حداقل کوشش خود را به عمل خواهند آورد تا در بخش کشاورزی وابستگی خود را به نگاه کاهش دهند (بزرگ‌ترین تذکره برزنف که از آن یاد کردیم)، حتی اگر بهای کاهش مصرف، با افزایش کمی از نرخ رشد جمعیت بیشتر باشد، تمام شود.

۴- مهمترین بخشهای "برنامه‌ها - مین مواد غذایی"، بخشهای هستند که به پیش‌بینی تولید و سرمایه‌گذاری برای نیمه دوم دهه، و در نتیجه برای دوران بعد از برزنف، می‌پردازند. برزنف آشکارا این برنامه را وصیتنامه خود دانسته که باید از سوی جانشینش، به عنوان سیاست کشاورزی، دنبال شود.

۵- نیز، مشاهده این که برنامه، بهبود محسوس را در زیر ساخت محیط روستایی (و حتی در مورد زیر ساختهایی که مستقیماً تولیدی نیستند) پیش‌بینی می‌کند، شایان توجه است.

۶- در برنامه، بخش خصوصی (که فعالیتهای اقتصادی محوری در روستا و نبرستی جزئی "در شهرها دارد) بسیار به ابهام اشاره شده است و این تصور پیش می آید که تحول آن بیشتر باید معنی یابد. به عقیده ما، حتی تصمیمات متخذه گویاگون از سال ۱۹۷۷، به خود بخش خصوصی و برای تشویق آن به همکاری با واحدهای بزرگ سوسیالیستی، به نومی که بخش خصوصی اساساً در رشد تولید کشاورزی شرکت و مساعدت داشته باشد، انجام شدنی نیستند. به هر حال، بخش خصوصی موفق به حفظ و بسا در حقیقت افزایش بسیار ناچیز ارزش مطلق تولید خویش خواهند شد. بی آن که بتواند ارزشی بی آن را حفظ کند.

۷- ابتکارات سازمانی، ویژه ویژه شکل گیری دائمی گروهیهای کنت و صنعت (*Agro-Industrielle*) که تا سطح ناحیه نیز توسعه کرده، ظاهراً "مکتوبه" صوری و بی معنی، و بدون بودی محسوس بر روی تولید کشاورزی، باقی خواهد ماند. به هیچ روی قصد "اصلاحات" مطرح نیست.

۸- جایگزین از همه، بافتاری ذرا احیا، برنامه کشاورزی اعلام شده در ۱۹۷۲ صبی بر توسعه (با به عبارت بهتر، دایرهای) زمینهای است که زیر پوشش چرنوبل (۲) (*Tchernoziom*) قرار دارند، و این امر از نظر ملی رفیع نتایج ناچیزی که تاکنون به دست آمده، صورت می گیرد. چرا که با وجود گلخانه، کوششهای انجام شده، بازده فلات دره کنار، پیوسته ارسال ۱۹۷۶ رو به کاهش بوده است. همچنین با آن که مجموع تولید ذرا می کشور از سال ۱۹۷۳ کاهش یافته و تولید دامی در سال ۱۹۷۷ به حداکثر خود رسیده، ترکیب این تحولات به کاهش تولید انجام داده، چنان که از آن زمان تاکنون، مرکز به سطح سال ۱۹۷۵ برسد است. اصولاً ادامه کوششها تا گریز می نماید، اما این ادامه، به علت ده سال عدم مراقبت، که در این مطلق نیست به اکثر مناطق دیگر کشاورزی شوروی عوارض بر او اثر و محسوس بوده است، مستلزم هزینه بسیار و برداشتهای فوق العاده سنگینی است.

علل رکود

با فرض شناخته بودن ضعفهای ساختاری کشاورزی شوروی (یعنی ضعفهای داخلی یا ضعفهایی که تغییرشان در یک دوره بسیار طولانی صورت می گیرد)، بی توان برش زیر پیش نهاد: از آثار بیجا اواسط سالهای دهه، ۱۹۷۰، کدام عوامل اقتصادی و اجتماعی بگونه ای توأم بر کشاورزی شوروی سایه افکنده و مبین افزایش ناگامیهای آن هستند؟

شرایط جوی نامساعد

بی گمان، شرایط جوی ملی سالهای بی درسی، بسیار نامساعد بوده است. حتی محتمل است که آن دسته از آثار منفی مربوط به عمل اساسی بر بازده کشاورزی نیز، ملی این سالها در اثر شرایط جوی نه چندان خوب، بر روی هم آساشته و تشدید شده باشد.

(۲) زمینهای بسیار بارور بخش اروپایی شوروی (مترجم)

مع ذلک، این که تا آن جا پیش رویم که ادما کنیم: بدی آب، هوا، بگانه علت، با علت اصلی، کاهش مداوم بهره‌دهی طی دوره ۸۲-۱۹۷۹ است. ناشی از کج شمالی و اندیشه نادرست خواهد بود. در واقع، حتی اگر ناساعد بودن شرایط جوی را بپذیریم، دستکم یکی از محصولات در تمام این دوره می‌بایست نتایج قابل قبولی می‌داشت. این امر به ویژه در مورد تولید زراعی، که بیشتر به نفعی آسانی و جوی وابسته است، صدق می‌کند. گشتهای متفاوت که از این حلقه مقتضات جوی گوناگونی را ایجاد می‌کند، می‌بایست حداقل به یک تعادل جزئی در سطح کلی کشاورزی منجر می‌شد (در مورد تولید داسی، و در نتیجه تا حد کمی در مورد کل تولید کشاورزی، واردات فراوان و پیوسته روبه افزایش علوفه، امکان حصول نتایج بهتری را فراهم ساخت که اگر این علوفه توسط کشاورزی داخلی تولید می‌شد، چنین سنجایی به دست نمی‌آمد). گذشته از آن، اگر پس از آن کالا-ایگان به هر باشد که برخی مناطق متناوباً از شرایط ناساعد جوی آسیب دیده باشد، این به کلی غیر قابل تصور است که بدی آب و هوا در قسمت اعظم سرزمین وسیع اتحاد شوروی موثر افتاده باشد. چرا که پس از آن تولید کامل زراعی بیش از ۵ درصد، آن هم فقط طی یک سال، امری است کاملاً استثنایی.

به هر حال، مشاهده می‌شود که واقعیت بسیار گویگون است: در ۱۲ سالی که از پس دوره دایر سازی ما در روسی کردن (۱۹۵۸-۱۹۵۲) نرانی رسد. تقریباً "در هر ۲ سال (۱۹۶۳، ۱۹۶۵، ۱۹۶۹) حدود دستکم ۶ درصد کاهش تولید به چشم می‌خورد. فقط در ۱۵ سال بعدی، یعنی سالهای میان ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۵، تولید چهار بار (۱۹۷۲، ۷۲، ۷۵، ۷۹) به همان شدت کاهش یافته است. و سرانجام نیز مشاهده می‌شود که از سال ۱۹۷۸ - که سال رکورد است - روند کاهش محصول پیوسته ادامه دارد، و ۲ سال بعد، تولید در مجموع ۱۵ درصد کاهش شده و بدین ترتیب فقط میزان اندکی از محصول سال ۱۹۷۵ بیشتر است. گرایش به سوی کاهش تولید، از آن پس به محصولات اصلی غیر غذایی نیز، به جز پنبه، سرایت می‌کند. چرا که پنبه، در سرزمین کاملاً "معاونی (مزارع آسی در مناطق زیر بارهای) کشت می‌شود.

در مورد خامی غلات، همچنین باید توجه داشت که در طول سالهای ۷۵، روند گسترش انواع نازدهی در هکتار، پیوسته روبه افزایش بوده است. به علاوه، بسیار محتمل است که تمرکز فعالیتها برای افزایش تولید غلات، نتایج خوبی بر نازده انواع دیگر کشت داشته است.

• حروری: نمی‌توان انکار کرد که اتحاد شده، طی ده سال اخیر، منطقیاً "چند دوره‌های کوتاه وجه بلندمدت، دچار شرایط جوی ناموافق بوده است. اما این پدیده از چه زمان پدیدار شده است؟ آیا روزی از سان خواهد رفت؟ اما می‌توان از یک دگرگونی آب و هوا سخن راند؟ این سبک خطای علمی است که بدی محصول را فقط با تاثیر عامل جوی تبیین کنم. ثابت است که تحول وضع جوی مستقلاً، توسط متخصصان و بر اساس معیارهای ویژه رشته علمی ایشان به تخریب و تحلیل گشده شود.

یک دانشمند نامید کشاورزی، نخست باید عوامل مربوط به رشته تخصصی خود را مورد بررسی

☞

کاهش باروری زمین

در مورد اتحاد شوروی، زمینها و خسارات کوتاه باینکه مدت مربوط به باروری زمینها، که حاصل عمل بیدیه‌های متعددی هستند، باید در نظر داشت. این بیدیه‌ها عمدتاً "مشارکت از" فرسایش زمین توسط باد، آسمپهای ناشی از جیل، نمکی شدن سطوح زیر آبیاری و کارهای آنها، آبیستندی ناهس روی زمینهایی که به حد کافی موزانده شده‌اند، و (بالاخره) شخم سطحی. با این همه، مهم این نکته دشوار است که چرا چنین تاثيراتی در آغاز ما اواسط سالهای ۷۰، افزوده و شدیدتر شده‌اند، حال آن که در آبیستندیها (اصلاح آبیستندی از سال ۱۹۷۵ توسعه یافت) اصلاحاتی انجام گرفته‌شود. در عوض، زمینهای روز افزون باروری، در کلبه، مناطقی که کاشت انواع جدید گیاهان بارآورتر معمول شده بود، کاملاً توضیح پذیر است، چرا که در آنهاها مفادیر فرایندهای از جوهر منفی و بر مایه زمین را، که ملی رعم بهترین استفاده از کود نمی‌خواست کیفیت کامل خود را بازیابد، بیش از وقت از آن بازی می‌سازند. این امر به ویژه هنگامی صادق است که زمین فاقد یک عنصر اساسی، مانند فسفر، باشد. چنین فقدان وعدم کفایتی، به طور جدی عمل مناسب دیگر را، به خصوص در مناطقی زمین سیاه یا نواحی دیمکاری، تحت تاثیر قرار می‌دهد.

عوامل دیگر

جدول ۱. پاره‌ای از همبستگیهای تحول تولید و تحول عوامل تولید، به ویژه میان عنصر مجموع تولید و عنصر سرمایه‌گذاریها از یکسو، و کندی رشد نیروی کار مربوط به استفاده از ماشینهای کشاورزی از سوی دیگر را، روشن ساخت. همبستگیهای دیگری میان تولید دانی و مصرف گیاهان علوفه‌ای، و همچنین میان تولید رزای و سطح خدراستان، برقرار است. (۰۰۰) برای تکمیل بررسی خود باید تصریح کنیم که تحول استفاده از کودهای معدنی مورد مصرف در کشت غلات، با تحول سازنده در هنگامار، که سرپرستان با توضیح بسیار روعه می‌فرمات، همبستگی دارد. همبستگی مشابهی در میان کل تولید رزای و تولید مجموع کودهای معدنی برای کشاورزی، به چشم می‌خورد. سهم کود مصرفی در هر هنگامار غلات (به هر درخت)، که قبل از ۱۹۶۵ ناچیز بود، به نحو زیر افزایش یافته است:

— از ۱۹۶۵ تا ۷۰ : ۲۰ درصد در سال به طور متوسط

— از ۱۹۷۰ تا ۷۵ : ۱۱ درصد در سال به طور متوسط

— از ۱۹۷۵ تا ۷۸ : ۵ درصد در سال به طور متوسط

— از ۱۹۷۸ تا ۸۰ : ۳ درصد در سال به طور متوسط

شایان توجه است که علی‌رغم کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاریهای ناخالص از ۱۹۷۵، سرمایه‌گذاریهای ناخالصی منطقی روعه افزایش بوده است، و این چیزی است که منطقی بر رشد سرمایه ثابت بازار می‌باشد. بگانه توضیح در مورد این بیدیه متضاد آن است که کاهش سهم سرمایه‌گذاریهای جایگزینی در سرمایه‌گذاری کل، موجب کندی در ارایهای داراییهای ثابت می‌شود. نخستین تاثيرات

منفی، به ملت کندی ایجاد شده، فقط در پایان دهه گذشته احساس شد. تحول همسانی که در مورد ماشین آلات قدیمی مشاهده می شود، نشانه آن است که این پدیده تنها ناشی از دردمالای تجهیزات با دوام نیست.

دراکتر مناطق اتحاد شوروی، هیچکس خشکالی چنان شدیدی، نظیر آن چه در سال ۱۹۷۵ پیش آمد، را به یاد ندارد. به همین علت، نباید نتایج موجود آمده در آن سال، را مبنای دوری قرار داد. با این همه، این نتایج نمودار گراشی به سوی بدترین وضع ممکن، حتی رکود تولید رزاسی پیرامون سال ۱۹۷۵ است. همچنین، این نتایج آشکارا رشد سرمایه گذارها و استفاده از کوه های معدنی را، طی همان دوره، نشان می دهد. امیزون بر آن رشد بازده، که خود سلما^۲ به مقدار کوه مصرف شده بستگی دارد، پس از سال ۱۹۷۵ کندی بیشتری نسبت به آغاز سالهای ۷۰ پیدایمی کند.

کوشش برای تبیین

یک گروه پژوهشی از دانشگاه "گلسن" (Glesson)، بر پایه همان داده های آماری که ما در این گزارش مورد استفاده قرار داده ایم، و بر اساس استفاده منظم از ارقام منابع دیگر، به مجموع نظریاتی دست یافته است که اندیشه های اصلی آن را در زیر شرح داده ایم. این تحقیقات کوشش دارند، سعی خرید کلیه، موالی که تا آنجا میل و بعد از او اسل دهه مورد مطالعه، تغییر کرده است، برای رکودی که تولید کشاورزی شوروی از اوایل سالهای ۱۹۷۰ با آن روبرو بوده است، تبیینی بیاپند.

بررسی موالی مؤثر در سیمس تحول سعی تولید زراعی، نشان می دهد که تعدادی از این عوامل (سیاست کشاورزی به طور کلی، سیاست اعمال شده نسبت به بخش خصوصی کشاورزی، کاهش نیروهای کار کشاورزی، تمرکز دامدارها) فقط بخش سی اهمیت نوتاه مدتی داشتند. همچنین، احتمال ناچیزی وجود دارد که در کوتاه مدت، وجه عبارت دیگر طی سالهای ۷۰، کاهش احتمالی باروری زمینها نیز توانست باشد عامل تبیین کننده، بیادینی باشد. سرانجام، استفاده از گشاهان کوچک جهت جبران فقدان ملوده، و با تمرکز شدید سرمایه گذاری در طرح های بارور سازی و آساری، کرجه دارای جنبه های منفی بود باید. اما این جنبه ها در مجموع تا آنجایی بسیار کرانند داشتند. احتیاج و ارتباط احتمالی برخی از این علل، البته اهمیت فراوانی به آنها می بخشد، اما با این همه آنگنان گاهی نیست تا بتوان آنها را علت اصلی سرفت سالهای اخیر دانست.

عوامل تعیین کننده در نتایج بد کشاورزی شوروی را در: کندی رشد سرمایه گذاری - که بار کوه و حتی

درباره های موارد با سرعت تولید ماشین آلات درهم آمیخته و فرین شده است - و در کاهش رشد نیروی کاری که از این ماشین آلات استفاده می کند، باید جستجو کرد. اما به خصوص باید اردیاد رویدادهای جویورمانهای ناشی از آسانا را در دوره^۳ افزایش بهره وری (بارده مالانو به مرکب استفاده بیشتر از کوه - بود، و از مرغوبترین نوع بذر، و از جامه های مناطق بزرگ گشت) یاد آور شد. به هر حال - بهره وری بهتر مستلزم بهبود روشهای مراقبت از زمینها، مقلایی کردن اعمال برداشت، کوشش در جهت سازماندهی کار و

استفاده از ماشینهای کشاورزی، و بالاخره، اداره بهره‌برداریهات، که حلق آنها در یک کشاورزی سوسیالیستی، با تصمیمهای اشتراکی که دارد، زمان آن هیچ‌گونه اصلاحی را نمی‌پذیرد، بسیار دشوار به نظر می‌رسد. علاوه بر آن، چنین می‌بیند که تغییر بنی، که معیار نادگرگویی ساختهای اجتماعی جمعیت کشاورز بوده است، و نیز کندی زین درآمد، که در پی افزایش شدید سالهای ۶۰، پیش آمده است، در شرایط فوق موجب تشدید گرایش منفی نسبت به کار شده است. مجموع این پدیده‌ها، به‌ویژه احساس نسبی، به توقف اصلاحات را تقویت کرده است.

دربارون از بخش کشاورزی به معنای خاص، بیدایش پتنگاهای بسیار مهم در سایر قسمتهای زیر ساختی (حمل و نقل، انبارداری و ذخیره‌سازی، تدارک خدمات، شرایط زندگی در روستا) به چشم می‌خورد که بدون تأثیر و بازتاب در پهنه تولید نبوده‌اند، گرچه گرایش‌های این تأثیر را نمی‌توان قائلانه تعیین و سنجید کرد.

برنامه‌های مواد غذایی اعلام شده در ماه مه ۱۹۸۲، شرح رشد بسیار بالایی تا سال ۱۹۹۰ پیش بینی می‌کند. این پیش‌بینی سرمایه‌گذاری تشدید فعالیت بهره‌برداریهات و گشت عمقی زمینها، و نیز سرمایه‌های نوین تجهیزات و تدارکات لازم برای عوامل تولید، استوار است. اما برنامه، سرمایه‌های نوین کوششها، فقط رشد محدودی را در مورد سرمایه‌گذاری می‌پذیرد که قسمت اعظم آن نیز باید صرف بهبود زیرساختها شود.

بدین گونه، هر قدر که سرمایه‌گذاری در این زمینه تا گری می‌نماید، به همان اندازه این سرمایه برای سرمایه‌گذاریهایی که بیشتر یک مرحله مازدهی می‌رسند، و به ویژه برای توسعه حقیقی در بخش ماشینهای کشاورزی، جای گامی در خطر گرفته است. همچنین در مورد عوامل تولید دیگر، که مثلاً حاصلت فایده آنها را روشن ساختیم، نباید انتظار داشت که از سطح سالهای ۷۰ تجاوز کنند. به در خود سرمایه، و به در اجزایی که می‌توان از آن استفاده داشت، هیچ‌گونه اصلاحی پیشنهاد نشده است. به همین دلیل، شرایط حوی کمابیش مساعدتر، البته می‌تواند امکان عرضه سررودگویی را فراهم سازد. اما قادر نیستند توسعه واقعی و فراوان تولید را، که تا بلت فراتر رفته است، سال - رکورد احتمالی را داشته باشد، تأمین کنند.

در حال حاضر مازدهی متوسط کشور در مورد غلات حدود ۷۵۰ کیلوگرم در هکتار است (۱۲۵۰ کیلو در هکتار در اوکراین، ۱۰۵۰ در بلوروس، ۶۵۰ در بخش غیر چرموروم، ۵۰۰ در فرانسه) و کمی بیشتر در مناطقی دیگر کشت دسم). چنین منظر می‌رسد که جزایه کارگزارین مجموعی محکم و هماهنگ از روشهای علمی و وسایل نوین، توانایی رسیدن به سطح مازدهی آمار سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ را گذشتن از آن وجود ندارد. اگر اصلاحاتی عمیق‌تر از آن چه تاکنون در سیاست کشاورزی سرمایه‌گذاری پذیرفته شده، انجام نگردد، عواملی که راه توسعه تولید را در سالهای اخیر سد کرده‌اند، همچون گذشته به کش خود ادامه داده و منابع هرگونه رشد و پیشرفت را خواهند شد.



Problèmes économiques

23 Sept. 1983

به نقل از:

Osteuroda (Stuttgart), Fev. 1983.